



28 دسمبر 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

"یک روح در دو جسم"

مقاله محترم جناب سمیع الدین افغانی تحت عنوان "دیموکراسی دحل لاره نده!" (منتشره مورخ 22 دسمبر 2018) را در این پورتال وزین خواندم. متعاقباً نوشته محترم جناب سدید زیر عنوان "دموکراسی، بهترین راه حل مشکلات ما" (مورخ 27 دسمبر) توجه مرا جلب کرد. خواستم بدینوسیله یک تبصره کوتاه در زمینه داشته باشم. با آنکه هر دو نوشته در عنوان از هم متفاوت و ظاهراً در تناقض معلوم میشوند، ولی در متن هر دو نوشته به دفاع از دموکراسی بحیث یک راه حل پرداخته است، با این تفاوت که آقای سدید دموکراسی را در برابر نظامهای نوع "توتالیتر" مورد مقایسه قرار داده و بر لزوم و ضرورت دموکراسی به حیث بهترین راه حل مشکلات کشور بطور کل تأکید نموده و توصیه کرده اند که: «ما به حرکت به سوی دموکراتیزه نمودن نظام و جامعه خود امکان ادامه بدهیم و بیشتر از پیش تمرین دموکراسی کنیم»، اما جناب افغانی به وضع موجود کشور اشاره نموده و نوشته اند که: «این دموکراسی و بازار آزاد در حالت موجود راه حل مشکلات در کشور نیست، بلکه برای رسیدن به دموکراسی در افغانستان یک مرحله عبوری میانه ضرورت است.» و علاوه کرده اند که: «بیانید با در نظر داشت مشکلات جاری برای یک نظام و سیستم به شکل افغانی کار کنیم که کشور امکان تطبیق و عملی کردن آنرا داشته باشد.»

در این حال واضح میشود که هر دو نویسنده محترم به دموکراسی به حیث یک راه حل هم نظر اند، ولی آقای افغانی راه تحقق دموکراسی را که با شرایط و احوال کشور قابلیت تطبیق داشته باشد، در موجودیت یک مرحله عبوری مؤثر میدانند که باید برای باور شدن نهال دموکراسی در کشور زمینه ها طی آن مرحله مساعد گردند. این مرحله یعنی "عبور بسوی دموکراسی" مستلزم ایجاد یک تعداد زیربنای اساسی میباشد که دموکراسی باید بر بنیاد آن استوار گردد، از جمله حاکمیت قانون، ثبات و امنیت، پرورش فکری و ذهنی مردم، رعایت شرایط عینی جامعه و محو نسبی فساد و غیره. هرگاه این زیر بنا ها در جامعه پرورش نیابند، دموکراسی بجای آنکه به اصالت خود منتهی شود و وسیله تأمین رفاه و انکشاف اقتصادی و عدالت اجتماعی گردد، برعکس جامعه را بطرف انارشی، خودسری و بی عدالتی می برد و با رونق یافتن رو به تزايد فساد، مفسدان جای قانون را میگیرند. آنوقت است که از دموکراسی جز نام، آنهم "نام خراب" دیگر اثری باقی نخواهد ماند.

امروز افغانستان با وجود 17 سال تمرین قدم بقدم بسوی دموکراسی، نه تنها به اصالت واقعی دموکراسی دست نیافت، بلکه به دلیل فقدان و ضعف زیر بناهای آن، برعکس این تلاشها انارشی و خودسری، فساد و غیره را در دامن خود پرورش داد. تمرین دموکراسی باید بر طبق اصول باشد. در یک مسابقه بوکس و یا کشتی و یا هر سپورت دیگر موجودیت اصول و مقررات و رعایت جدی آن از طرف بازیکنان و موجودیت یک ریفری وارد و عادل و با انصاف میتواند نظم و هدف بازی را بطور سالم بار آورد، در غیر آن هر بازی سپورت به جنگ سرکوچه مبدل خواهد شد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلېکنې دلېکنيزې بڼې پازوالي دلېکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

برای اینکه به نوشته محترم سمیع الدین روشنی بیشتر انداخته باشم، یک قسمت آنرا از پشتو به دری ترجمه کرده و ذیلاً تقدیم میدارم:

ایشان می نویسند: «مطلب من آن نیست که از کدام شخص یا گروپ مشخص دفاع کنم، اما اگر هر کس زیر نام آزادی بیان به اشاره بیگانه ها دیگر اقوام، زبانها و افتخارات تاریخی وطن را تحقیر میکند، اینکار به نفع کشور و مردم نیست، بلکه در این وطن به فضای بی باوری می افزاید که این بذات خود جفای بزرگ در عملیه وحدت ملی در وطن است. با آنکه دموکراسی یک مفهوم و یا تعریف مقبول دارد، اما در افغانستان عملی نمیشود، زیرا که همین حالا در کشور در اکثر جاها قانون تفنگ حاکم است که جنگها همه چیز را از مردم گرفته است. حالا بیک مرحله عاطفی ضرورت است تا بتواند مردم را از بدبختی ها برهاند، زیرا بازار آزاد به نفع یک تعداد محدود مردم و صاحبان سرمایه بوده، نه به نفع همه مردم و اجتماعات افغانستان.

در این کشور به چنان یک سیستم ضرورت است که جنبه عملی داشته باشد، در وطن جلو جنگ را بگیرد، برای مردم مصروفیتهای سالم و زمینه شغل را بوجود آورد، بتواند در ارتقای سطح تعلیم و دانش مردم قدمهای اساسی بگذارد، بجای تفنگ حاکمیت قلم را بوجود آورد.

اگر ما بتوانیم در حالت موجود در بین افغانها راه تفاهم را جستجو کنیم و از این همه راه ها و صاحبان نظران مختلف به اساس یک نظریه و احساس واحد همه را متحد کنیم، برای بیوه ها و یتیم ها و مردم فقیر که همه چیز را از دست داده اند، شرایط زندگی را مساعد سازیم، آن یک موفقیت و یک خدمت بزرگ در این موقع برای بهبود زندگی هموطنان ما خواهد بود.

دموکراسی و بازار آزاد در حالت موجود راه حل مشکلات در کشور نیست، بلکه برای رسیدن به دموکراسی در افغانستان یک مرحله عبوری میانه ضرورت است.

بیانید با در نظر داشت مشکلات جاری برای یک نظام و سیستم به شکل افغانی کار کنیم که کشور امکان تطبیق و عملی کردن را داشته باشد.

[شرایط] مردم ما را با مظالم زیاد مواجه کرده است، در این وطن برای ساختن پروژه های بنیادی باید کار شود، در این کشور همه چیز وجود دارد، در اینجا امکانات استفاده از زمین بسیار است، اینجا زمینه های کافی برای تولید برق موجود است، اینجا نفت، گاز و دیگر ذخایر قیمتی وجود دارند که اگر برای بهبود زندگی مردم اقدامات عملی صورت گیرد و برای همه مردم زمینه های کار و فعالیت ها مساعد شود و برای پیدا کردن روزی حلال امکانات میسر گردد، این همان راه حل خواهد بود تا دامن محرومیت ها و بیکاری در وطن برچیده شود و زمینه دموکراسی واقعی یا [با] عدالت اجتماعی فراهم شود.»